روزنامه هم‌میهن
www.hammihanonline.ir

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

نگاه آخر

قصابان موسیقی

علی مسعودی‌نیا
نویسنده

بسیار شده که بنشینم توی تاکسی اینترنتی یا خودروی رفیقی، یا در محفل و مهمانی‌ای باشم و ناگهان صدایی بم و اغراق‌شده نام فردی را به‌عنوان «دی‌جی» معرفی کند و بعد کابوسی موسیقایی رقم بخورد از آمیختن بی‌دروپیکر و انگار بی‌پایان و ناهنرمندانه چندین ترانه آشنا و غریبه از روزگار قدیم و جدید و زیر صدا بیسی بکوبد و چند افکت الکترونیکی پرت و بی‌نمک نیز آن میانه‌ها به گوش برسد و مغزم را ویران کند. این پدیده ناخوشایند را «ریمیکس» می‌نامند. مختص کشور ما هم نیست و از دهه ۸۰ میلادی، با پیشرفت ابزارهای پخش موسیقی و حرکت به سمت دنیای دیجیتال و نیز رونق گرفتن سبک‌هایی چون الکتروپاپ و تکنو، تلفیق قطعات و پیوند زدن آن‌ها به یکدیگر باب شد و کم کم در این سیر بازنوازی، بازخوانی و تنظیم دوباره آهنگ‌های آشنا و دوست‌داشتنی نیز رونق گرفت. درواقع در پس این کار نوعی رویکرد مصرف‌گرایانه که با شتابزدگی دنیای مدرن و پسامدرن همخوانی داشته باشد، نهفته بود. در آلبوم‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ گاهی در انتهای نوار کاست یا سی‌دی، ریمیکسی که معرف قطعات موجود در آن آلبوم بود نیز گنجانده می‌شد. همه می‌دانیم که پاتوق‌های بسیاری در کشورهای جهان وجود دارد که به‌طور مستمر در آن موسیقی پخش می‌شود، اما نه برای گوش دادن و لذت موسیقایی بردن، که برای همراهی، پایکوبی، ورزش و تزریق انرژی با موسیقی متنی هیجانی که با یک رویداد خاص همخوانی داشته باشد. معمولاً هم در نمونه‌های موفق و باکیفیت این آمیزه‌سازی، افرادی به انتخاب و پیوند آهنگ‌ها دست می‌زنند که از موسیقی سررشته دارند و گام‌ها، ریتم‌ها و سبک‌ها را به خوبی می‌شناسند. اما این روزها در کشور ما این سالادهای بی‌مزه موسیقایی جای موسیقی واقعی را گرفته، یعنی بسیاری از افراد در خودرو یا منزل به‌جای گوش دادن به قطعات اصلی، به این ریمیکس‌ها گوش می‌دهند، پاتوق و رویدادی هم در کار نیست. چنین است که بعید است روزی را به شب برسانی و جایی یکی از این ریمیکس‌ها به گوشت نخورد. محصولاتی غیرفرهنگی که تمامی شور، هنر و عمق موسیقی را نابود می‌کنند و تنها به‌مدد بیس و ریتم کوبنده و انرژیک و بازی با حافظه، خاطره و نوستالژی دقایقی طولانی به ذهن آدم پتک می‌کوبند. پیداست که تعداد زیادی از این دی‌جی‌های وطنی هم نه ریتم می‌شناسند، نه گام و نه از دستگاه‌های موسیقی سررشته دارند. فارغ از این انگار هیچ‌چیز جز همگام شدن یک ترانه با ریتم انتخابی‌شان برایشان مهم نیست؛ این است که دور قطعه را کم و زیاد می‌کنند، آواهای طبیعی خواننده و ارکستر را به صداهایی مضحک و دورگه‌شده یا تودماغی و کارتونی تبدیل می‌کنند و با تکنیک‌های بی‌مزه‌ای چون فید، ریورس و لوپ به قصابی قطعاتی می‌پردازند که بسیاری‌شان نماد اوج هنر آهنگسازی و خوانندگی در تاریخ موسیقی ما بوده‌اند. اورتور و مقدمه را حذف می‌کنند، ارکستراسیون را خفه می‌کنند، سمپل‌های پرت و پلا را در پس‌زمینه به‌کار می‌گیرند و به میل خودشان یک تصنیف کامل را به قطعه‌ای ۳۰ ثانیه‌ای یا یک‌دقیقه‌ای فرومی‌کاهند. درست است که مردم کشور ما و شاید بسیاری از مردم جهان، بیشتر به موسیقی با کلام و خواننده توجه دارند و از ظرایف موجود در یک آهنگ چندان آگاه نیستند و بیشتر با ملودی، صدای خواننده و متن ارتباط می‌گیرند؛ اما نباید فراموش کرد که موسیقی همواره بیش از آن‌که فهمیدنی باشد، هنری تاثیرگذار است، یعنی مجموعه تمهیدات آهنگساز، تنظیم‌کننده و خواننده است که محصولی می‌سازد که می‌تواند تا عمق روح و جان ما نفوذ کند و ذهن ما را تربیت کند بی‌آنکه حتی ذره‌ای هم از موسیقی سررشته داشته باشیم. وقتی تمام ابزار این تاثیر در ریمیکس نابود می‌شود و قطعات تنها حکم مشتی مواد خام بی‌هویت را دارند، دیگر از ارزش موسیقایی، لذت ژرف و تربیت سلیقه هم خبری نیست. همین است که موسیقی پاپ ایران نیز به این روزگار فجیع کنونی افتاده و جولانگاه بی‌هنران و موسیقی‌ندان‌ها شده است. پیداست که اکثر دست‌اندرکاران این حوزه حتی الفبای کار خودشان را هم بلد نیستند. یک میکسر و یک نرم‌افزار خریده‌اند و چپ و راست قطعات را قیچی می‌کنند و می‌زنند تنگ هم. من نمی‌دانم شنیدن این همه قطعه‌ی بریده‌بریده، از ریتم خارج‌شده و تحریف و سلاخی‌شده با این حجم از دفرماسیون واقعاً کجایش گوش‌نواز و لذت‌بخش است؟ دست‌کم عزیزان ریمیکس‌کار بروند قدری هارمونی و سلفژ بیاموزند تا محصول‌شان انسجام و منطقی داشته باشد؛ موسیقی که فقط تالاپ و تولوپ زیر صدای خواننده نیست. هنری است که در طول تاریخ با روح، جان و فرهنگ سروکار داشته و به‌بخشی ناگسستنی از زندگی روزمره ما بدل شده است و کیفیتش با کیفیت فرهنگ، رفتار و سلیقه ما ارتباط مستقیم دارد. ریمیکس به خودی خود پدیده بدی نیست، کارکردش هم مشخص است و شگردهای باکیفیت بودنش نیز آموختنی.

عکس: Gettyimages

مرگ یا قتل

داستان فرندز با حواشی پرونده متیو پری همچنان ادامه دارد

زینب کاظم‌خواه
خبرنگار گروه فرهنگ

سریال فرندز قطعاً در فهرست محبوب‌ترین سریال‌های دو، سه نسل قرار دارد؛ سریالی که روایتش از کافه‌ای که پاتوق شخصیت‌های سریال است شروع می‌شود و ریچل با لباس عروس وارد کافه می‌شود، از همین جا بیننده می‌داند قرار است چه سریالی را ببیند. این سریال از شروعش یعنی سال ۱۹۹۳ تا پایانش در سال ۲۰۰۴، یکی از محبوب‌ترین سریال‌هایی بود که خیلی‌ها را پای تلویزیون می‌نشاند اما بعد از تمام شدن آن، سریال برای خیلی‌ها تمام نشد، خیلی از اصطلاحاتش دهان‌به‌دهان می‌شد و بسیاری بارها و بارها هنگام غم و غصه، پای آن نشستند تا گرد اندوه‌شان را بتکانند.

هر وقت خبری از بازیگران این سریال می‌شد همچنان برچسب بازیگر سریال فرندز دنبال اسم‌شان بود و اخبار این سریال بعد از پایان یافتنش همچنان ادامه داشت. یکی از آن‌ها خبر دورهمی بازیگران سریال فرندز بعد از سال‌ها بود که خیلی‌ها برایش لحظه‌شماری می‌کردند. در بحبوحه‌ی همه‌گیری کووید خبر «تجدید دیدار دوستان» منتشر شد؛ پس از هیاهوی بی‌پایان، سرانجام ستارگان سریال کمدی «فرندز» دوباره دور هم جمع شدند. بازیگران این سریال محبوب حالا گرد پیری روی صورت‌ها و موهایشان نشسته بود.

«فرندز: تجدید دیدار»، بار دیگر این شش بازیگر را کنار هم نشاند تا سریالی را مرور کنند که به پدیده‌ای محبوب تبدیل شده بود و حتی پس از پایان سریال هم به زندگی خود ادامه می‌داد. از میان شش بازیگر تنها جنیفر آنیستون به بازیگری معروف تبدیل شده بود و بقیه‌ی بازیگران این سریال را هنوز با سریال فرندز به‌خاطر می‌آورند.

سقوط چندلر

خبر دیگری که درباره‌ی یکی از بازیگران این سریال حسابی سروصدا کرد، خبر مرگ متیو پری به‌خاطر اوردوز بود. فضای مجازی پر از عکس‌های سریال فرندز شد و سوگنامه‌هایی درباره‌ی مرگ متیو پری یا همان چندلر فرندز نوشتند. این بازیگر سال‌ها درگیر اعتیاد بود و حتی در قسمت‌های اولیه این سریال او اعتیاد داشت اما در اواسط سریال، اعتیادش را ترک کرد و این موضوع در سریال هم خیلی مشهود شد و چندلر نحیف به‌یکباره کلی وزنش زیاد شد. متیو پری سال‌های تلخی برای مبارزه با اعتیاد به مواد و الکل گذرانده بود. او یک‌سال قبل از مرگش در مصاحبه‌ای گفته بود که دیدن دوباره‌ی سریال فرندز برایش سخت است زیرا این سریال او را یاد کشمکش‌اش با اعتیاد به مواد و الکل می‌اندازد. او گرچه دورانی مواد را ترک می‌کرد، اما اعتیاد هرگز دست از سر متیو پری یا همان چندلر بینگ سریال فرندز برنداشت تا اینکه او را به دام مرگ انداخت. بعد از یک‌سال از مرگ متیو پری، دوباره سریال فرندز با نام متیو پری بر صدر اخبار آمده است. چند روز پیش اعلام شد که چند نفر با مرگ پری در ارتباط بوده‌اند. دادستانی اعلام کرده است که پزشکان و فردی موسوم به «ملکه‌ی کتامین» از آسیب‌پذیری پری به‌عنوان معتادی در حال بهبودی، سوءاستفاده کرده و مواد این بازیگر محبوب را تأمین کردند که درنهایت منجر به کشتن او شدند. در این ارتباط پنج نفر در رابطه با مرگ پری متهم شده‌اند.

۵ متهم پرونده

متیو پری سال گذشته در ۵۴ سالگی درگذشت. بدن او در حالی که در جکوزی خانه‌اش در پاسیفیک پالسایدس بود، کشف شد. در گزارش کالبدشکافی اعلام شد که او به‌خاطر «تأثیرات حاد کتامین» و غرق‌شدگی درگذشته است. خود پری در خاطرات ۲۰۲۲ به‌نام «فرندز، عاشقان و چیزهای وحشتناک بزرگ»، درباره‌ی دهه‌ها مبارزه‌اش با اعتیاد صحبت کرده بود. او گفته بود، بعد از تصادفی که با یک جت‌اسکی سر صحنه‌ی فیلمبرداری «هجوم احمق‌ها» در ۱۹۹۷ داشته و برای دردش ویکودین تجویز شد، شروع به سوءاستفاده از داروهای تجویزی کرد.

با این‌که پری سال‌ها مبارزه کرده بود تا از دست اعتیاد خلاص شود اما گفته می‌شد او چند وقتی بود که دوباره به اعتیاد بازگشته بود. استرادا، دادستان این پرونده اعلام کرده است که دو پزشک ـ سالوادور پلاسِنسیا و مارک چاوز ـ برای پری، کتامین تأمین می‌کردند و پلاسِنسیا از این فرصت برای منفعت مالی و پول درآوردن از آقای پری سوءاستفاده کرده بود.

براساس اسناد دادگاه، سپتامبر سال گذشته یک‌ماه قبل از مرگ پری، پلاسنسیا فهمید که پری مایل به خرید کتامین است و او را با چاوز مرتبط کرد. پلاسنسیا در پیامی در سپتامبر ۲۰۲۳ نوشته بود: «نمی‌دونم این احمق چقدر پول می‌ده؟» پلاسنسیا همچنین نوشته بود که او می‌خواهد تنها تأمین‌کننده‌ی مواد او باشد. دادستان گفته است که طی چند هفته‌ی بعد پلاسنسیا از چاوز کتامین خریداری کرد، ویال‌های کتامین را به دستیار پری داد و به او گفت که چطور مواد را مصرف کند. به گفته دادستانی، پلاسنسیا همچنین برای تحویل دادن کتامین، به خانه‌ی پری رفت و حتی در عقب خودرو در پارکینگ به پری مواد تزریق کرد. دادستانی براساس اسناد دادگاه اعلام کرد که در دوازدهم اکتبر، دوز زیادی مواد به پری تزریق شد که باعث واکنش پزشکی شدیدی شد. فشار خون سیستولیک پری افزایش یافت و یخ کرد و قادر به صحبت یا حرکت نبود. مقامات گفتند که در اواسط اکتبر، اریک فلمینگ ـ فرد دیگر نزدیک به پری ـ شروع به تماس با یک فروشنده‌ی مواد مخدر برای خرید ویال‌های کتامین از طرف پری کرد. از سپتامبر تا اکتبر ۲۰۲۳، به پری «حدوداً ۲۰ ویال کتامین» داده شد که قیمت آن حدود ۵۵ هزار دلار می‌شد. استرادا گفت، متهم جاسوین سانگا ـ که مقامات او را «ملکه کتامین» هالیوود شمالی می‌نامند ـ در خانه‌اش «یک فروشگاه فروش مواد مخدر» را اداره می‌کرد.

دادستان گفته است، فلمینگ اعتراف کرده که او کتامین را از سانگا تهیه کرده و این کتامین است که پری را کشته است و کنت ایواماسا ـ دستیار پری ـ با اینکه هیچ آموزش پزشکی‌ای ندیده بود، به این بازیگر کتامین تزریق کرده است. طی آخرین هفته‌ی حیات پری، ایواماسا حداقل ۲۱ تزریق کتامین کرده است. مقامات می‌گویند، ایواماسا در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳ ـ روزی که پری درگذشت ـ چندین تزریق به پری کرده بود. براساس اسناد دادگاه، او در ساعت هشت‌ونیم صبح و دوباره در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز مرگش، به او تزریق کرده بود. حدود ۴۰ دقیقه بعد، پری از ایواماسا خواست که جکوزی را برایش آماده کند و گفت: «یک دوز زیاد برایش تزریق کند.» این اسناد همچنین مشخص کردند که بعد از مرگ پری، این دو یعنی فلمینگ و سانگا سعی کردند پیام‌هایی که نشان می‌داد آن‌ها به او مواد فروخته بودند را پاک کنند. فلمینگ پیامی برای سانگا ارسال کرده بود و گفته بود: «۹۰ درصد مطمئن است که همه در امنیت هستند. من فقط دستیار او بودم. بنابراین دستیار، کار راه‌انداز است.»

ادعای بی‌گناهی متهمان

پلاسنسیا در یک مورد توطئه برای توزیع کتامین، هفت فقره توزیع کتامین و دو مورد تغییر و جعل اسناد یا سوابق مربوط به تحقیقات فدرال، بی‌گناه شناخته شد. وکیل او به سی‌ان‌ان گفت که هیچ مدرکی برای اثبات ادعاهای این پزشک وجود ندارد.

وکیل پلاسنسیا در این باره به سی‌ان‌ان گفته است: «آقای پری تحت درمان کتامین بود. تحت نظارت پزشکی و تجویز پزشکی قرار داشت و در حالی که ممکن است دادستان ایالات متحده با قضاوت پزشکی دکتر پلاسنسیا مخالف باشد، اما در آن زمان هیچ عمل مجرمانه‌ای وجود نداشت. مهم‌تر از آن، کتامینی که در مرگ آقای پری نقش داشت، به دکتر پلاسنسیا ارتباطی نداشت.»

به گفته‌ی دادستان، چاوز ـ پزشک دیگری که متهم شده است ـ «با اعتراف به یک فقره توطئه برای توزیع کتامین موافقت کرده است.»

سانگا، ملکه‌ی کتامین ادعاشده، در اتهام به یک فقره توطئه برای توزیع کتامین، یک مورد نگهداری از محل مرتبط با مواد مخدر، یک فقره نگهداری به قصد توزیع مت‌آمفتامین و یک فقره نگهداری به قصد توزیع، ادعای بی‌گناهی کرده است.

اخبار اتهامات مظنون قدری آرامش برای خانواده متیو پری به همراه آورده است و آن‌ها منتظرند تا عدالت مسیر خود را طی کند.

ادامه یادداشت سردبیر

گویی، سیاست با همه تلخی و خشونت و سختی‌ای که اغلب با خود دارد، با عشقِ لطیف در این نکته مشترک است که اول آسان می‌نماید، ولی در ادامه دشوارها در کار آن می‌افتد. بسیاری از ناامیدی‌ها، توقف‌ها، گسست‌ها و خستگی‌ها در مسیر سیاست نیز، همچون عشق و بسیار بیشتر از عشق، ناشی از همین آسان‌نمایی اولیه و افتادن دشواری‌ها در ادامه کار است و از این منظر، میان الگوهای مختلف تغییرخواهی اعم از انقلاب و اصلاحات و اصقلاب (واژه برساخته حمیدرضا جلایی‌پور)، چندان تفاوتی نیست؛ جز آنکه ابعاد دشواری‌ها و ناامیدی‌ها و پیامدها در انقلاب، اصقلاب و اصلاحات به‌ترتیب گسترده‌تر است.

پزشکیان و مخاطبان او نیز (چه حامیان و چه مخالفان) اکنون در گیر همین دوگانه ساده‌نمایی‌های اولیه و دشواری‌های فزاینده‌اند. پزشکیان در تصوری که از میدان سیاست دارد، از ضرورت وفاق و آشتی ملی و کاهش تعارضات و شکاف‌های درونی و تقویت پیوندها می‌گوید و باور دارد بر مبنای آنچه «حق و عدالت» می‌داند، این کار شدنی است. گویی او در ذهنیت خود، این مسئله را چنان طبیعی و بدیهی می‌بیند که نمی‌تواند تصور کند وقتی کار از سطح سخن فراتر رود و به میدان عمل رِسد، بخش‌های متنوعی از نیروهای سیاسی و اجتماعی با آن در تعارض قرار می‌گیرند؛ نیروهایی که نه‌فقط برخورداران و بهره‌وران مسیر موجود هستند (آنها که ستیز در سیاست داخلی، آب به آسیاب خالص‌سازی‌شان می‌ریزد)؛ بلکه بسیاری از همان نابرخورداران و بی‌صدایان و حاشیه‌نشینان و محرومان و منتقدان نیز که پزشکیان گفتمان خود را نماینده و برکشنده آنان می‌داند و می‌خواهد، پتانسیل بالقوه‌ای دارند برای آنکه به نقد و حتی معارضه با او برخیزند. اینکه پزشکیان می‌گوید: «بیگانه اگر می‌شکند، حرفی نیست»؛ نشان از آن است که آنقدر در عرصه سیاست واقع‌بین هست که بداند نیروهای مخالف و معارض او و بهره‌وران خوان خالص‌سازی و صحنه‌پردازی، از درِ مخالفت و مقاومت با او برخواهند خاست و چنین رخدادی برای او، قابل‌پیش‌بینی بوده است. مسئله و پرسش و حیرت پزشکیان از این است که: «دوست چرا می‌شکند؟».

اینجاست که «دشواری‌های وفاق» خود می‌نماید. پری‌روی واقعیت از روزن ذهنیت سر بیرون می‌آرد. گرد آوردن همگان و توجه به همه نیروهای محروم، حاشیه‌نشین، اقلیت و بی‌صدا همانقدر که در موسم انتخابات آسان است و رای‌آور؛ در زمان استقرار دولت، دشوار است و رای‌ریز. همچون یخی که در گرمای تموز آب می‌شود و درختی که از تندباد خزان برهنه می‌ماند. طبعاً، نیروهایی که به تعبیر پزشکیان از حق خود باز مانده‌اند، همچنان با موانع حقیقی قدرت درگیرند. موانعی که این بازداشتن را تولید می‌کند و دولت و رئیس‌جمهور نیز تاحدی می‌توانند آن را تعدیل کنند؛ اما روشن است که این تعدیل، با آن مطالبه و خواست و شعار انتخاباتی تطبیق ندارد. ازاین‌رو، نیروهای حامی را به نقد یا انفعال وامی‌دارد و میان دولت جدید با رویه قدیم، تفاوتی حس نمی‌کنند. ازآن‌سو، کابینه نیز آرایشی موزائیکی پیدا می‌کند که در آن، قطعات مختلف و متفاوت و گاه متعارض در آن حضور دارند که چیدن آن کنار یکدیگر و ارائه سازه وفاق از برآیند آنان، بسیار پیچیده و گاه ناشدنی می‌نماید. بااین‌حال، همین ماموریت دشوار و شاید غیرممکن شرط لازم هرگونه تغییر در شرایط موجود است. در واقع، پزشکیان الگویی را در ذهن دارد که در آن، پیش‌زمینه و نتیجه یا ورودی و خروجی آن، عملاً یکی است. او وفاق‌ملی را پیش‌شرط تغییر وضع موجود می‌داند و درعین‌حال، وضع موجود خود در تعارض با وفاق‌ملی است. چه از سوی مخالفانی که آن را برنمی‌تابند و چه حامیانی که بسیار بیش از آنچه در میدان عمل می‌بینند، مطالبه دارند.

در این میان، شاید مواجهه پزشکیان با مخالفان تندرو خود ساده‌تر باشد. چراکه آنان در بستر روند و روال خالص‌سازی از بسیاری حقوق ویژه برخوردار بوده‌اند که ستاندن آن، برای دولت اعتبارزاست و اگر چالش و مقاومتی هم به همراه داشته باشد (که طبعاً دارد)، این چالش به انسجام بیشتر حامیان و بسیج افکارعمومی می‌انجامد و چندان جای نگرانی ندارد. وضعیت کنونی پزشکیان و شعار وفاق‌ملی او را از این منظر، می‌توان مشابه موقعیت حسن روحانی در ابتدای کار و در جهت دستیابی به برجام دانست که گرچه مخالفان و دلواپسان مدام به او و محمدجواد ظریف و روند مذاکرات می‌تاختند؛ اما در عمل، برای روحانی و دولت او اعتبار و مشروعیت می‌ساختند. حال نیز، وفاق‌ملی به‌عنوان ابرپروژه دولت پزشکیان در جهت رساندن نیروهای متعارض و متفاوت به توافق و تفاهم، می‌توان آن را «برجام داخلی» دانست که حملات مخالفان رادیکال به آن، بر وجهه و موقعیت دولت پزشکیان می‌افزاید. حتی در جلسه دیروز مجلس نیز، این انفعال و گرفتاری مخالفان رادیکال بارز بود. آنان مانده بودند در برابر شعار وفاق و اتکای پزشکیان بر برنامه هفتم و سیاست‌های کلی نظام چه بگویند و از کدام در به مخالفت با او برآیند.

این در حالی است که ناامیدی حامیان از تحقق خواست‌های خود در قالب این دولت (چنان‌که به‌ویژه برای اقلیت‌های قومی و مذهبی در همین بازه کوتاه رخ داده است)، برای دولت اعتبارزداست و پایگاه اجتماعی آن را که در خود انتخابات هم، محدود و شکننده بود؛ تضعیف و تحدید خواهد کرد. ازاین‌روست که به نظر می‌رسد آنچه برای پزشکیان و گفتمان او اهمیت و اولویت بیشتر باید داشته باشد، بیش از رای اعتماد گرفتن از مجلس برای وزرا (که آن هم ضروری است)، حفظ اعتماد رای‌دهندگان و ارائه تصویری متناسب با شعار «ایران برای همه ایرانیان» از کابینه و رویکرد دولت در سطح جامعه است. این، همان ماموریت دشوار و درعین‌حال، مشترکی است که پزشکیان و حامیان متنوع او در پیش دارند؛ همچون داستانی عاشقانه که با نگاهی آسان و رومانتیک آغاز می‌شود، اما در ادامه به سختی راه و تنگنا و گاه تراژدی می‌افتد...

إنا لله و إنا إليه راجعون

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ قدرت علیخانی درگذشت خواهر گرامی را تسلیت می‌گوییم. خداوند آن مرحومه را در جوار رحمت خود قرار دهد و به جنابعالی وهمه بستگان سلامتی و صبر عنایت کند.

غلامحسین کرباسچی